

An Examination and Analysis of the Issue of Hijab in the Islamic Republic of Iran Based on the SWOT Model

Fatemeh Al-Sadat Zeyghamian

PhD Candidate in the History of the Islamic Revolution, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

zeyghamy_66@yahoo.com

Hamid Basiratmanesh 

Assistant Professor, Department of the History of the Islamic Revolution, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran.

Basirat1341@yahoo.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2024 /09 / 02 Revised: 2024 /10 / 01 Accepted: 2024 /10 / 07 Published Online: 2024 /10 / 21	The issue of hijab in the history of the Islamic Republic of Iran has undergone a turbulent trajectory, influenced by various social, cultural, and political factors, and has now reached a peak crisis point. In this context, the role of both internal and external factors—as well as overarching policymaking and governmental actions—is significant. This study, after a period-based examination of the issue from different perspectives over the 45-year history of the Islamic Republic, employs a functional approach within the framework of the SWOT analytical model. Based on the historical evolution of the topic, it analyzes the strengths, weaknesses, opportunities, and threats associated with the hijab issue. Findings suggest that the weight of weaknesses and threats significantly outweighs that of strengths and opportunities. Nonetheless, by adopting a multidimensional perspective and taking into account all four elements of the SWOT model, a relatively comprehensive outlook can be formed to better understand the issue and formulate appropriate strategies in this regard. Keywords: Islamic Revolution, Islamic Republic, Laws and Policymaking, Hijab Issue, SWOT Model.



دوره ۱۱ | شماره ۴۱ | پاییز ۱۴۰۳

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.499694.1387>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

بررسی و تحلیل مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران بر اساس مدل سوات

فاطمه السادات ضیغمیان

دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

zeyghamy_66@yahoo.com

حمید بصیرت منش 

استادیار گروه تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

Basirat1341@yahoo.com

چکیده	اطلاعات مقاله
مسئله حجاب در تاریخ جمهوری اسلامی ایران، سیر پرتلاطمی را متأثر از مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مختلف از سر گذرانده و امروز به نقطه اوج بحرانی خود رسیده است. در این میان نقش عوامل داخلی و خارجی و البته سیاست‌گذاری‌های کلان و اقدامات دولت‌ها حائز اهمیت است. این پژوهش پس از بررسی ادواری این مسئله – از مناظر مختلف در تاریخ ۴۵ ساله جمهوری اسلامی – با رویکردی کارکردی و در چهارچوب مدل تحلیلی سوات، همچنین بر اساس سیر تاریخی موضوع، نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای مطرح در مورد این مسئله را مورد بررسی قرار داده است. با بررسی و تحلیل نتایج این تحقیق به نظر می‌رسد که بار نقاط ضعف و تهدیدها، سنگینی محسوسی نسبت به قوت‌ها و فرصت‌ها داشته؛ باوجوداین با نگاهی چندبعدی و با در نظر گرفتن همه عوامل چهارگانه فوق می‌توان چشم‌انداز به نسبت جامعی در راستای فهم بهتر مسئله و اتخاذ راهبردهای مناسب در این زمینه فراهم نمود. کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، قوانین و سیاست‌گذاری‌ها، مسئله حجاب، مدل سوات.	نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰ صفحات: ۲۳-۵۲

مقدمه

موضوع حجاب زنان از اواخر دوره قاجاریه و با ورود پدیده مدرن بی حجابی به ایران به مسئله‌ای چالش برانگیز در ابعاد اجتماعی و فرهنگی تبدیل شد. با اجرای کشف حجاب در دوره رضاشاه و ورود سلبی حکومت به این مسئله، حجاب و بی حجابی ابعاد سیاسی و مبارزاتی پیدا کرد. در این دوره تناقض اجبار به بی حجابی نشان می‌دهد که رویکرد حکومت به این موضوع، نه در راستای تحقق آزادی زنان، بلکه بیشتر در جهت سیاست‌های متجددانه سلطنت قرار داشته است؛ شبه مدرنیزمی که در دوره پهلوی دوم نیز با اتکا بر ابزار فرهنگی و تشویقی، باعث ترویج هر چه بیشتر بی حجابی در جامعه شد. در دوره پهلوی، مسئله بی حجابی و مظاهر اجتماعی مرتبط با آن از جمله موارد نارضایتی اقشار مذهبی و محورهای مبارزات انقلابیون محسوب می‌شد. نکته مهم این است که اکثر انقلابیون مسئولیت این مسئله و ترویج آن را متوجه حکومت دانسته و در مسیر کلی مبارزه با حکومت سلطنتی و طاغوتی به دنبال اصلاح وضعیت اخلاقی جامعه و به‌ویژه مسئله اختلاط و پوشش بانوان بودند. به این ترتیب، بی حجابی به عنوان یکی از نمادهای حکومت پهلوی (به‌ویژه با غلبه ماهیت اسلامی نهضت) تبدیل شد؛ با وجود این، پس از انقلاب نیز مسئله حجاب به راحتی حل نشد و در طی سال‌ها و دهه‌های پس از آن و با توجه به تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در عرصه‌های داخلی و خارجی ابعاد پیچیده‌تری پیدا کرد و حتی در مقطع‌هایی به مسئله‌ای بحرانی تبدیل شد که بدون توجه به سیر تاریخی و فهم ابعاد آن، هرگونه چاره‌اندیشی در این زمینه مسلماً ناقص و معیوب خواهد بود. تحقیق پیش رو درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست که روند مسئله حجاب در تاریخ جمهوری اسلامی چه مسیر و دوره‌هایی را طی کرده و در این مسیر چه نقاط ضعف و قوتی داشته و در حال حاضر چه فرصت‌ها و تهدیدهایی پیش روی آن قرار دارد؟

پاسخ به این پرسش‌ها در تحقیقی با ماهیت تاریخی و البته کاربردی و در چهارچوب مدل تحلیلی سوات شکل گرفته شده است. در کل، این پژوهش سعی دارد ابتدا در یک بررسی تاریخی مختصر، ابعاد مسئله حجاب در جمهوری اسلامی و مقاطع ادواری پشت سر گذاشته شده را بررسی کرده و در ادامه با تکیه بر نتایج این کنکاش، از یک سو نقاط

ضعف و قوت موجود در مدیریت مسئله حجاب را استخراج و از سویی دیگر با نگاهی ناظر بر مسائل روز فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی این موضوع را مورد استنتاج قرار دهد.

۱. پیشینه پژوهش

در میان آثار فراوانی که درباره مسئله حجاب بعد از انقلاب اسلامی نوشته شده است، بخش قابل توجهی به ابعاد اجتماعی، اعتقادی و حدود شرعی حجاب و البته مباحث نظری مربوط به ابعاد حاکمیتی مسئله و حدود اختیارات حکومت اسلامی در این مورد اختصاص دارد و بخشی دیگر نیز شامل ابعاد حقوقی، قوانین، مصوبات و سیاست‌گذاری‌های مربوط به حجاب است که برخی از آن‌ها جزء منابع این تحقیق بوده‌اند. در این میان، آثار متعددی به تحلیل و نقد سیاست‌گذاری‌های مربوط به حجاب در جمهوری اسلامی پرداخته‌اند که می‌توانند به پژوهشگران در فهم و تحلیل مسئله کمک شایانی نمایند. از میان منابعی که به صورت مستقیم و مستقل طی تحقیقی تاریخی به بررسی موضوع حجاب در جمهوری اسلامی پرداخته‌اند می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- «بررسی وضعیت حجاب در ایران از سال‌های آخر حکومت پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی» (۱۳۸۷)، نوشته رمضان نرگسی؛
- «تحلیلی بر منازعات گفتمانی حجاب در جمهوری اسلامی (۱۳۶۰-۱۳۹۰)» (۱۳۹۸)، نوشته محسنی ابوالخیری؛
- «حجاب توسعه و توسعه بدحجابی؛ تحلیلی پدیده بدحجابی در ارتباط با سیاست‌ها و ساختارهای کلان جامعه» (۱۳۹۱) نوشته آقا بیگی کلاکی؛ و کتاب مدیریت حجاب در جمهوری اسلامی ایران.

با بررسی ادبیات پژوهشی موجود می‌توان گفت تمایز این تحقیق در نگاه جامع‌تری بوده که بیش از چهار دهه دوران جمهوری اسلامی تاکنون را در ابعاد مختلف در بر گرفته و سعی دارد در یک چهارچوب تحلیلی مشخص (مدل سوات) به ارزیابی مسئله پردازد. از جمله امتیازات خاص این پژوهش بررسی و نگارش پس از ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ است که رویداد مهمی در سیر مسئله حجاب در تاریخ جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

۲. روش تحقیق

مدل تحلیلی سوات^۱، روشی است که در ابتدا مربوط به حوزه کسب و کار بوده و به مرور در سایر حوزه‌های اجتماعی و سیاسی به کار گرفته شده است و امروزه در عرصه‌های مختلف، از جمله مدیریت مسائل اجتماعی، سیاسی و حتی تحلیل موضوعات تاریخی، برای بررسی نقاط ضعف، قوت و تهدیدها و فرصت‌ها در حوزه مربوطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. هرچند در این روش، عناصر چهارگانه‌ای به بررسی ابعاد درونی و بیرونی مسئله می‌پردازند؛ اما از آنجا که تحقیق پیش رو ماهیتی تاریخی و اجتماعی دارد، در اینجا نقاط قوت و ضعف، با بررسی تاریخی مسئله و نگاه به گذشته و فرصت‌ها و تهدیدها، با توجه به نگاه حال حاضر و شرایط آتی مورد توجه و استخراج قرار گرفته است. در واقع این مدل، روشی برای بحث پیرامون مباحث چهارگانه مذکور است و امتیاز آن رسیدن به نگاهی جامع نسبت به موضوع است که مانع از اعتماد به نفس بی‌جا و ناامیدی مفرط می‌شود. شناخت این عوامل می‌تواند در جهت رفع یا کاهش نقاط ضعف و تهدیدها و تقویت نقاط قوت و فرصت‌های موجود و اتخاذ استراتژی‌ها و راهبردهای مناسب‌تری برای مدیریت مسئله از طرف کارشناسان و متولیان امور به کار گرفته شود.

۳. چهارچوب مفهومی

حجاب در لغت از ریشه «ح، ج، ب»، یعنی چیزی که به وسیله آن چیز (دیگری) در حجاب قرار گیرد و از نظر پوشیده شود «الحجاب ما حجب به شیء عن شیء» (فراهیدی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۸۶) و در معنایی دیگر هر آنچه میان دو چیز حائل شود را گویند «الحجاب کل ما حال بین الشیئین» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۴). در کل حجاب در لغت متضمن دو مفهوم است: اول جدا کردن دو چیز؛ مرز و فاصله گذاشتن بین دو امر و دوم پنهان کردن و پوشاندن چیزی از مقابل دید (غروی نائینی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶).

در مفهوم فقهی، حجاب یکی از احکام وجوبی اسلام با دو بُعد ایجابی و سلبی محسوب می‌شود. به این معنا که لزوم پوشش بدن و موی سر از مرد نامحرم، جنبه ایجابی داشته

1. SWOT analysis model

و حرام بودن خودنمایی در برابر نامحرم مسئله‌ای سلبی است. وجوب اصل حجاب با اختلافاتی جزئی مورد توافق فقهای همه مذاهب اسلامی بوده است. باوجوداینکه برخی فقهای امامی و اهل سنت قائل به وجوب پوشاندن همه بدن حتی صورت و دست‌ها هستند، با توجه به فتوای اکثریت فقها در جمهوری اسلامی و به‌ویژه نظر فقهی امام خمینی (امام خمینی، ۱۳۶۶، مسئله ۲۴۳۵) و رهبر انقلاب (۱۴۰۳/۱۲/۲۵) وجه و کفین از حدود الزامی حجاب بانوان مستثنی است. از منظر حقوقی نیز با توجه به ابتدای قوانین در جمهوری اسلامی بر اساس مبانی شرعی، همین حدود فقهی مدنظر قرار دارد.^۱ شایان ذکر است که در ادبیات فقهی، اصطلاح تخصصی مربوط به پوشش بانوان واژه «ستر» بوده (غروی نائینی، ۱۳۸۶، صص. ۱۳۰-۱۲۹)؛ اما در دوره معاصر با تعبیر حجاب از آن یاد شده است. امروزه در میان عامه مردم مراد از حجاب همین معنای فقهی است که استعمال آن نسبتاً جدید است (مطهری، ۱۳۶۸، ص. ۶۴).

در این پژوهش از منظر تحقیقی و تاریخی خاص و با توجه به ابعاد حقوقی، شرعی و همچنین وضعیت پوشش بانوان در کشور ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، می‌توان به‌طور دقیق‌تر از دو نوع «حجاب شرعی» و «حجاب عرفی» و «بی‌حجابی» سخن گفت. حجاب شرعی: حجاب شرعی به‌عنوان یکی از احکام اسلامی در میان اکثر فقهای شیعه، ضرورت پوشاندن مو و سایر اعضای بدن، جز صورت و دو دست توسط زنان مسلمان در برابر مردان نامحرم تعریف شده است. می‌توان گفت این تعریف شارع به‌عنوان «حجاب کامل» به‌صورت نانوشته بر اکثر قوانین موضوعه در جمهوری اسلامی در مورد حجاب نیز حاکم بوده است. هرچند در عمل به‌صورت سلیقه‌ای یا بر اساس مصالح روز جامعه افراط و تفریط‌هایی در تفسیر این قوانین صورت گرفته است.

حجاب عرفی: حدود پوشش زنان بر اساس فرهنگ عمومی و هویتی اقوام، مذاهب، مناطق و حتی اقشار مختلف جامعه اشکال مختلفی از حجاب عرفی را شکل داده که بعضاً

۱. در این میان هرچند برخی الزام قانونی برای حجاب را مورد تشکیک قرار داده‌اند (ایازی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱)؛ اما مبانی انقلاب اسلامی و اصول قانون اساسی، پشتوانه محکمی برای الزام قانونی حجاب محسوب می‌شوند. درباره حدود دخالت حکومت در مسئله حجاب از منظر فقهی (ر.ک. به: فاضل لنکرانی، ۱۳۹۳، صص. ۴۷-۳۲؛ حق‌شناس، ۱۳۸۷، صص. ۲۴-۳۴).

ممکن است از حجاب شرعی نیز سخت‌گیرانه‌تر و البته در بیشتر موارد و باگذشت زمان در تاریخ جمهوری اسلامی، نسبت به آن سهلگیرانه‌تر عمل کرده است. این حجاب عرفی، اغلب با توجه به همراه داشتن از بی‌مبالاتی و عدم رعایت حدود حجاب شرعی در ادبیات رسمی به «کم‌حجابی» و «بدحجابی» تعبیر شده و می‌شود. این پوشش هرچند ممکن است با حدود حجاب شرعی فاصله قابل توجهی داشته باشد؛ با این حال، به‌ویژه در شرایط فعلی می‌تواند بیانگر سطحی از پابندی و همراهی فرد نسبت به اصول اعتقادی، اجتماعی و حتی حقوقی و قانونی جامعه باشد.

بی‌حجابی: مقوله بی‌حجابی که با توجه به شرایط سیاسی و حقوقی و اجتماعی و فرهنگی در سال‌های پس از انقلاب در ایران کمتر با آن مواجه بوده‌ایم، شامل نمونه‌های رفع عامدانه و نقض حجاب شرعی بوده و می‌تواند طیف گسترده‌ای از عدم پوشش سر تا برهنگی نسبتاً کامل بدن را در برگیرد.

۴. سیر تاریخی مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران

در بخش اول به بررسی سیر تاریخی موضوع حجاب در ابعاد مختلف حقوقی، سیاسی و اجتماعی، در شش دوره متوالی پرداخته شده است.

۴-۱. دوره شکاف حاکمیتی، باوجود همگرایی نسبی عمومی (۱۳۶۰-۱۳۵۷)

به دنبال سخنرانی نیمه اسفند ۱۳۵۷ امام خمینی که در آن به ضرورت اصلاح وزارتخانه‌ها و ازجمله رعایت حجاب شرعی کارمندان زن اشاره شده بود (امام‌خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص. ۳۲۹) تظاهراتی اعتراضی به‌وسیله جمعی از زنان و تشکلات در تهران و برخی از شهرهای بزرگ شکل گرفت و از همان‌جا بود که حجاب در شرایط جدید و برای نظام نوپا تبدیل به یک مسئله شد. هرچند با توجه به غلبه فضای انقلابی و اسلامی آن روزها، طرفداران آزادی حجاب در یک اقلیت کمی و ارزشی قرار داشتند؛ اما دلیل اصلی این جدل را می‌توان در نبود اجماع در مورد این مسئله در حاکمیت، رسانه‌ها و میان نخبگان دانست (کلهر، ۱۳۹۶، ص. ۲۰).

در شرایطی که اذهان عمومی بی‌حجابی را به‌وضوح در پیوند با رژیم سابق می‌دیدند،

طبیعی بود که برخی نیروهای لیبرال و حتی چپ نیز با توجه به اقتضائات شرایط انقلابی با اجرای حجاب اسلامی در جامعه همراهی نشان دهند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص. ۳۵). برخی بی‌حجابی‌ها در محیط اداری، رسمی و رسانه‌ای، برای اکثریت جامعه پذیرفتنی نبود و مقاومت‌ها در مقابل این مطالبه عمومی و حاکمیتی، چند روزی بیشتر طول نکشید و به‌خصوص با دخالت طالقانی و اشراقی مسئله مدیریت شد (ضیغمیان، ۱۳۸۹، صص. ۱۸۰-۱۷۸). محتوای اعتراضات و پاسخ‌هایی که به آن‌ها داده شده، نشان می‌دهد که در این مقطع، مسئله، میان باحجابی و بی‌حجابی، یا اختیاری و اجباری بودن آن بوده است. به‌هر ترتیب، در این دوره با وجود خواست عمومی و حاکمیتی و تصویب لوایح قانونی در تیر و شهریور ۱۳۵۸ در شورای انقلاب و در قالب دستورالعمل‌های درون‌سازمانی، مقاومت دولت موقت و پس‌از آن شخص بنی‌صدر که حاضر به اجرای آن نمی‌شدند (شادللو، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۴؛ جاودانی مقدم، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۸) باعث شد اجرای کامل قانون حجاب تا تیرماه ۱۳۵۹، طول بکشد (کلهر، ۱۳۹۶، صص. ۳۰-۳۲). عدم رعایت حجاب اسلامی از طرف اقلیت بی‌حجاب، منجر به اقدامات خودسرانه و تندی شد که با مخالفت شدید و صریح امام خمینی مواجه شد. البته این دفاع امام از حقوق بانوان بی‌حجاب، به معنی تأیید و پذیرش بی‌حجابی در سطح جامعه نبود. (ر.ک. به: نمازی‌فر، ۱۳۸۹، صص ۱۲۱-۱۱۸).

در پایان این دوره با از میان رفتن شکاف حاکمیتی و هژمون شدن گفتمان اسلام‌گرایی در سیاست و جامعه و حذف گفتمان سکولاریسم از ساختار حاکمیت، حجاب اسلامی به‌عنوان یکی از مصادیق اجرای احکام اسلامی، در دال مرکزی این گفتمان هژمون شد (محسنی ابوالخیری، ۱۳۹۸، ص. ۸۳). در این فضا و به‌ویژه با شروع جنگ تحمیلی و آثار روانی و ارزشی آن، اقلیت بی‌حجاب نیز به‌مرور خود را برای پذیرش قانون حجاب و رعایت آن در جامعه در قالب یک همنوایی رفتاری آماده کردند.

۲-۴. دوره همگرایی عمومی و حاکمیتی و فرم‌گرایی شکلی (۱۳۶۸-۱۳۶۰)

در دهه شصت و با یک‌دست شدن حاکمیت و حذف کامل نیروهای لیبرال و چپ از ساختار قدرت، کشور وارد وضعیت جدیدی در مورد مسئله حجاب شد. علاوه‌براین، وضعیت جنگی کشور و فشارهای ناشی از آن در عرصه اقتصادی و اجتماعی از یک‌سو و حاکمیت

فضای دفاع مقدس، تقویت انسجام اجتماعی و گسترش روحیه ایثار و معنویت از سوی دیگر، بسیاری از مسائل مربوط به آزادی‌های اجتماعی و سیاسی، از جمله مسئله حجاب را به حاشیه کشاند و اینکه صرفاً مسئله اقلیت راحت‌طلب، مرفه و نه عموم مردم پنداشته می‌شد، به همین دلایل مسئله حجاب در طول جنگ تحمیلی، به عنوان یک مسئله حاد مورد چالش مطرح نبود (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص. ۳۶). بر بستر این زمینه‌ها بود که به وسیله بخشی از مدیران و کارگزاران میانی، فرم و محتوا یکی دیده شد و حجاب بیشتر در قالبی واحد (چادر) تعریف می‌شد (افروغ، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۰). این انگاره حداکثری نسبت به حجاب تا حد زیادی تحت تأثیر گفتمان دوران جنگ تحمیلی بود. در واقع در این مقطع حجاب، نه صرفاً یک تکلیف الهی، بلکه به عنوان نماد و پرچم دفاع از ارزش‌های اسلامی و انقلابی و در راستای حمایت از رزمندگان و مرزبندی با جریان‌ها و گروهک‌های برانداز نیز تلقی می‌شد (عباس، ۱۳۸۴، ص. ۱۶۰؛ زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۷۹، ص. ۱۷۷). افراط فرمی در این مقطع، آثار خود را در دوره‌های بعدی نشان داد. به نظر برخی تحلیلگران توجه بیش از حد به فرم، موجب فراموشی محتوا گردید. در حالی که تعریف اصیل و جوهری حجاب، با تأکید بر پوشش، عفاف و متانت، می‌توانست آثار عمیق‌تر و صحیح‌تری داشته باشد. البته ناگفته نماند که اولویت قائل شدن برای پوشش چادر بر مدل اشکال دیگر حجاب نیز تأثیرات مثبتی داشت. در این وضعیت بود که تا سال ۱۳۶۲، منازعه خاصی در مورد مسئله حجاب بروز نکرد. از این سال با رشد نشانه‌های بی‌حجابی در برخی نشریات و فعالیت‌های گروه‌های فمینیستی ایرانیان خارج از کشور و کشاندن دامنه فعالیت‌هایشان به داخل با همراهی برخی زنان با این جریان، پدیده‌ای به نام بدحجابی ظهور کرد (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۷۹، ص. ۱۱۷). تعدیل فضای اتهام به افراد بی‌حجاب، مبنی بر وابستگی به عوامل محل امنیت و گروه‌های معارض که در این مقطع تقریباً سرکوب شده بودند نیز در بروز پدیده بی‌حجابی بی‌تأثیر نبوده است (محسنی ابوالخیری، ۱۳۹۸، ص. ۸۸)؛ با وجود این وجود فضای انقلابی و ارزشی حاکم بر جامعه، تحمل چنین مظاهر محدودی را نداشته و خواستار برخورد حکومت با این پدیده بود. در بستر این فضا و بر اساس مطالبه عمومی در دی‌ماه ۱۳۶۲، در قانون تعزیرات، جرم‌انگاری حداکثری برای مصادیق بی‌حجابی و بدحجابی وضع شد. در اسفند ۱۳۶۵، با تصویب قانون رسیدگی به تخلفات و مجازات تولیدکنندگان، واردکنندگان، فروشندگان

و استفاده کنندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در انتظار عمومی خلاف شرع بوده یا عفت عمومی را جریحه‌دار کند، برای عوامل زمینه‌ساز بدحجابی، نیز جرم انگاری شد. مصادیق این مصوبه در سال ۱۳۷۱ توسعه پیدا کرد (صدر، ۱۳۸۹، صص. ۲۶-۲۴). در دهه شصت آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های داخلی متعددی در دانشگاه‌ها، ادارات و دستگاه‌های متعدد برای اجرا و الزام قانون حجاب صادر گردید (ر.ک.به: صدر، ۱۳۸۹). می‌توان گفت طی این دوره باوجود برخی نمونه‌های بدحجابی، نوعی یکدستی و هم‌نواپی عمومی رفتاری نسبت به مسئله حجاب در جامعه و حاکمیت مشاهده می‌شود. جرم انگاری‌های حداکثری این سال‌ها درباره مقوله بدحجابی نیز در پاسخ به مطالبه عمومی و حاکمیتی در مورد مسئله حجاب و به پشتوانه همان بوده است.

۳-۴. دوره تساهل غیررسمی و پنهان (۱۳۷۶-۱۳۶۸)

با پایان جنگ تحمیلی و رحلت امام خمینی، شاهد بروز تغییرات اساسی در عرصه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور هستیم. افول نسبی ارزش‌های دوران دفاع مقدس و فروکش کردن فضای ارزشی آن دوره، به‌خصوص معنویت‌گرایی، ایثارگری، اهمیت اصل انسجام اجتماعی و ساده زیستی، در کنار رویکردهای سیاسی و اقتصادی جدید، نوعی ناهمگونی و تعارض با آرمان‌های انقلاب و نظام اسلامی را ایجاد کرده و در این شرایط عدول تدریجی از حدود و چهارچوب‌های حجاب اسلامی آغاز شد.

در برخی تحلیل‌ها تغییر رویکرد اقتصادی دولت، مهم‌ترین تحول تأثیرگذار بر مسئله حجاب و سیاست‌های مرتبط با آن برشمرده شده است. در دوره سازندگی، هرچند کانون اصلی تغییرات در حوزه اقتصادی بود؛ اما منجر به دو اتفاق مهم در حوزه فرهنگی نیز شد: ۱. تغییر جامعه از جامعه بسته به جامعه باز؛ ۲. انعطاف‌پذیری در خصوص الگوهای سنتی (رفع‌پور، ۱۳۷۶، ص. ۱۵۰). البته این موارد به‌خودی‌خود مشکل‌ساز نیست؛ ولی اگر باز شدن جامعه، یک‌باره، بدون فراهم بودن بسترها و با بی‌توجهی و حتی نفی نظام ارزشی سابق همراه باشد، می‌تواند منجر به بحران‌های فرهنگی و هویتی در جامعه شود.

با تغییر سیاست‌های اقتصادی دولت، به‌تدریج برخلاف دوره قبل، ثروت به ارزشی اجتماعی تبدیل شد و طبقه مرفه با تغییر شرایط و سیاست‌گذاری‌ها فرصت ابراز وجود

جدی‌تری یافتند. پس از طبقه‌بالا، قشر متوسط نیز به تقلید از ثروتمندان در سبک زندگی و پوشش، روی آورد. این تغییرات ارزشی در دهه هفتاد، تحولات عمیقی بر موضوع حجاب نیز داشت. نخستین و مهم‌ترین اثر این تغییرات کاهش مطالبه عمومی جمعی در مورد رعایت حجاب در جامعه بود. با این حال، در این دوره همچنان بخش عمده جامعه به رعایت حجاب و عفاف پایبند هستند. فاصله‌ای که میان تغییرات ذهنی و رفتاری وجود دارد یکی از عوامل مؤثر در این وضعیت بوده است (کلهر، ۱۳۹۶، صص. ۶۰-۵۵).

علاوه بر تأثیرات ناخواسته توسعه اقتصادی، قابل‌انکار نیست که دولتمردان این دوره با اتکا و فراهم کردن امکان و فرصت لازم در عرصه فرهنگی، از جمله مطبوعات، سینماها، فضاهای شهری، مراکزی آموزشی و البته عرصه‌های تجاری و تبلیغاتی، بستر بروز و ظهور نشانه‌های گفتمانی جدید در عرصه حجاب را فراهم کرده و به‌وضوح انواع دیگر پوشش مثل مانتو و روسری را نیز به‌عنوان حجاب معرفی، پیشنهاد و حتی تبلیغ می‌کردند (ر.ک. به: جوادی یگانه، ۱۳۸۷، صص ۷۳-۶۳؛ آزاد ارمکی، ۱۳۹۱، صص ۵۹-۲۵). در این سامانه نوظهور حجاب بود که نابهنجاری‌های پیشین، به نشانه‌های بهنجار جدید تبدیل می‌شد (مرادخانی، ۱۳۹۰، صص. ۱۱۲-۱۱۱). در نتیجه حد حجاب حداقلی و آزادی نوع پوشش، البته همچنان همراه با اجبار حکومتی هژمون می‌شود. در مقابل این دیدگاه، برخی تحلیلی‌ها نیز تغییرات پوششی در مقوله حجاب در این دوره و دوره بعد را فرایند طبیعی تکامل اجتماعی و اقتصادی یک جامعه در حال توسعه که متأثر از رشد سواد (به‌ویژه در میان بانوان) صنعت، جوانی جمعیت و... بوده است می‌دانند (ابتکار، ۱۳۸۷، ج ۳، ص. ۱۰۲). تغییرات و تعدیلاتی که در عرصه مجازات مربوط به حجاب در سال ۱۳۷۵ به وجود آمد نیز علاوه بر کاستن از پیامدهای رسانه‌ای و اجتماعی، طلیعه تغییر سیاست در خصوص حجاب دانسته شده است (کلهر، ۱۳۹۶، ص. ۶۰).

جدای از تأثیر سیاست‌های اقتصادی، محور خاص دیگری که به‌ویژه در ارتباط با مسئله حجاب در این دوره باید مورد توجه قرار گیرد، مسئله‌ای است که تحت عنوان «تهاجم فرهنگی» از آن یاد شده است. این تعبیر که از سال ۱۳۶۸، به وسیله آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان تهاجم جدی غرب علیه ارزش‌های اسلامی و ملی که ساحت عقیده و اخلاق جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد مورد تأکید قرار گرفت در نیمه اول دهه هفتاد بسیار مورد توجه و تأکید

قرار گرفت. توجه به تأثیرات نادیدنی و نامحسوس این تغییرات هویتی و فرهنگی و نه صرفاً موارد معدود مثلاً بی‌حجابی در جامعه، نشان از عمق نگاه و تحلیل ایشان نسبت به شرایط فرهنگی روز داشت (ر.ک. به: حسینی، ۱۴۰۰) در دهه هفتاد، انبوهی از کتب، نشریات، فیلم‌ها و سریال‌هایی که به ترویج تساهل و نسبیّت‌گرایی اخلاقی، روابط آزاد و بد پوششی مشغول بودند، شاهدهی بر وجود این خطر و تهدید در کشور بود (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص. ۳۸).

با این حال، بدنه حاکمیت درباره سیاست‌گذاری مقابله با تهاجم فرهنگی دچار اختلاف و گسست بود. در واقع صرفاً بخش قضایی و انتظامی حاکمیت که ماهیت اقداماتشان سطحی و سلبی است در این عرصه ورود کرده و عدم همراهی دولت (به‌ویژه بدنه فرهنگی آن)، باعث ایجاد نوعی شکاف در حاکمیت نسبت به مسائل فرهنگی و به طبع مسئله حجاب و عفاف در جامعه شد (کلهر، ۱۳۹۶، ص. ۷۰). در این میان، اختلاف اساسی بر سر اولویت داشتن اقناع عمومی یا الزام اجتماعی در مورد مسئله حجاب بود. با وجود اینکه طرفداران اصل اقناع بر فعالیت‌های فرهنگی تأکید می‌کردند، نه در این دوره و نه در ادوار بعدی کارنامه و عملکرد قابل دفاعی در عرصه فعالیت‌های فرهنگی از خود به‌جا نگذاشتند. همین مسئله باعث شده که برخی تحلیلگران بخش مهمی از علل بحرانی شدن مسئله حجاب در جمهوری اسلامی را به بی‌توجهی دولت‌ها به وظایف نمادین فرهنگی‌شان و به عبارتی نوعی اباحه‌گری دولتی در مسئله حجاب برگردانند (افروغ، ۱۳۸۷، ج ۳، ص. ۱۸۵).

نهایتاً در این دوره با توجه به اعتراضات گسترده، برخی تغییرات به‌ویژه در سطوح مدیریتی باهدف کاهش شکاف در بدنه حاکمیت در مورد موضوعات فرهنگی، اعمال شد؛ با وجود این، نتیجه انتخابات سال ۱۳۷۶، این شکاف را در دوره بعد عمیق‌تر و جدی‌تر کرد. در کل می‌توان دوره سوم را دوره‌ای انتقالی دانست.

۴-۴. دوره تغییرات آشکار در فرهنگ سیاسی و سیاست‌گذاری فرهنگی (۱۳۸۴-۱۳۷۶)

اگر سهل‌انگاری نسبی مدیران ارشد و میانی و اولویت مسئله اقتصاد بر فرهنگ در دوره سازندگی بر موضوع حجاب سایه انداخته بود، در این دوره تغافل نسبت به این موضوع و بلکه تغییر آشکار در سیاست‌های گذشته را می‌توان مشاهده کرد. در همین سال‌ها بحث فردی بودن و ضرورت عدم دخالت حکومت نیز به شکل پر سروصدایی مطرح

شد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص. ۳۷). می‌توان گفت اگر در دولت قبل طرح توسعه اقتصادی، اقتضائات خود را بر فرهنگ عمومی، از جمله مسئله حجاب تحمیل کرده بود. در این دوره برنامه‌های توسعه سیاسی و آثار فرهنگی آن بود که مسائل اخلاقی، اعتقادی، نظام آموزشی و وضعیت پوشش جامعه را تحت تأثیر جدی قرار داد. درواقع گفتمان اصلاحات در این دوره با تأکید بر نشانه‌هایی همچون، توسعه سیاسی، جامعه مدنی، حقوق و آزادی‌های فردی، حقوق شهروندی، حقوق زنان، نفی خشونت و... به تثبیت انگاره حداقلی حجاب و عدم الزام نسبی حکومتی در آن مورد انجامید. توجه به ابعاد زیبایی‌شناختی پوشش و بازار مد در بستر آماده‌شده، به انفجاری در رنگ، طرح و مدل پوشش در بازار و جامعه انجامید که انتقادات جدی به وضع مدیریت جامعه، مطبوعات، سینما، دانشگاه و... را در پی داشت و به مصوباتی در شورای عالی انقلاب فرهنگی در پایان این دوره و در دولت بعد انجامید (محسنی ابوالخیری، ۱۳۹۸، صص. ۹۴-۹۳).

پیش از رسیدن به آن مرحله در سال ۱۳۷۶، اولین سند راهکارهای اجرایی گسترش عفاف و حجاب در شورای عالی انقلاب فرهنگی در دو بعد آموزش و رفع موانع حجاب به تصویب رسید که می‌توان آن را نشانه غلبه رویکرد فرهنگی و مخالفت با برخوردهای خشن در مسئله حجاب دانست (کلهر، ۱۳۹۶، صص. ۷۵-۷۳). این تغییر سیاست فرهنگی علاوه بر اینکه متأثر از تغییرات فرهنگ سیاسی بود، نشانه‌ای از عدم موفقیت سیاست‌های بیست سال گذشته نیز دانسته شد. با رویکرد جدید برخورد با بدحجابی، با این مصوبات تعدیل و بلکه رفع می‌شد؛ اما این طرح فرهنگی نیز باوجود ابلاغ به دولت، با توجه به اینکه از نظر وزارت کشور دولت اصلاحات اجرایی نبود، تقریباً بایگانی شد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص. ۵۲). طی ده سالی که این مصوبه و اسناد فرهنگی مشابه مبانی اقدام یا به بیان صحیح‌تر عدم اقدام، در عرصه حجاب قرار می‌گیرد، تحولات رفتاری جدی در جامعه رخ می‌دهد و باوجود پابندی اکثریتی نسبت به حجاب، شاخص‌های وضعیت حجاب نشان‌دهنده تضعیف روزافزون اکثریت باحجاب و تقویت اقلیت بدحجاب در جامعه است. به شکلی که دیگر نمی‌توان از مطالبه عمومی و فشار هنجاری در خصوص مسئله حجاب سخن گفت (کلهر، ۱۳۹۶، صص. ۸۰-۷۷). درواقع اقلیت فرهنگی که در دوره دوم با اکثریت هم‌نوا شده بود و در دوره سوم در نتیجه شکاف میان حاکمیت احیا شده بود، در این دوره

قدرتمند شده و به مرور بخش قابل توجهی از جامعه را با خود همراه می‌کرد؛ اما با همه اینها همچنان اقلیت بود. از طرف دیگر، موضع گیری‌های کاملاً متفاوت و مخالفت آشکار برخی احزاب، سیاسیون و نخبگان حکومتی گسست و شکاف در مورد مدیریت مسئله حجاب را نهادینه می‌کند (ر.ک. به: قاسمی، ۱۳۸۳؛ نوبخت، ۱۳۸۷، ج ۳).

بروز نشانه‌های وخامت روزافزون وضعیت حجاب در جامعه منجر به مصوبه دوم شورای عالی انقلاب فرهنگی در مردادماه ۱۳۸۴، شد که طی آن در کنار اولویت دو محور آموزش و رفع موانع، شاهد احیای خاموش و بی‌سروصدای سیاست برخورد و مجازات هستیم. برای اجرایی کردن این سند ۲۲ نهاد؛ چهارده سازمان و دستگاه فرهنگی، پنج دستگاه اقتصادی و سه دستگاه امنیتی و اطلاعاتی باید در کنار هم وارد عمل می‌شدند. به نوعی کل حاکمیت مسئول امر حجاب شناخته شدند و از سویی حل آن در گرو حل مسائل اعتقادی، آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و در حاشیه آن‌ها اقدامات نظارتی و انتظامی دانسته می‌شد (کلهر، ۱۳۹۶، صص. ۱۰۶-۱۰۰) از جمله انتقادات دیگری که به این مصوبات وارد شده؛ علت شناسی فردگرایانه و غفلت از عوامل کلان است. صاحبان این نگاه برنامه‌های توسعه اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشور را با توجه به ماهیت معرفت‌شناختی و انسان‌شناسی شبه سکولار آن‌ها و تأثیر مدرنیسم غربی شبه‌اسلامی بر تغییر ارزش‌ها و گروه‌های مرجع، عوامل اصلی و بستر بسیاری از معضلات فرهنگی از جمله مسئله حجاب می‌دانند (آقابیکی کلاکی، ۱۳۹۱، صص. ۱۰۳-۹۵). در این دوره حرکت از سمت حجاب اسلامی به سمت حجاب عرفی روند پرشتابی پیدا کرد که باعث می‌شد در عین حال که بسیاری از افراد خود را با حجاب می‌دانستند، پوشش آن‌ها با بسیاری از معیارهای اسلامی و رسمی حجاب منطبق نباشد (درباره عرفی شدن حجاب ر.ک. به: امامی، ۱۳۹۲).

۴-۵. کشمکش‌های اجرایی الزام حکومتی حجاب در تنش میان ارزش‌ها و واقعیت‌ها (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

با روی کار آمدن دولت نهم با شعار اصولگرایی و بازگشت به ارزش‌های اسلامی و انقلابی، انتظار عمومی در میان اقشار مذهبی و بخش‌هایی از حاکمیت برای تغییر ریل و اصلاح وضعیت پوشش و حجاب در جامعه افزایش پیدا کرد. در این دوره گفتمان اصولگرایی با تأکید بر رابطه دولت و مذهب و حاکم کردن ارزش‌های اسلامی و انقلابی، با باور به

تهاجم فرهنگی و دگرسازی با غرب، بستری برای احیای فرهنگ حجاب و عفاف تلقی می‌شد (محسنی ابوالخیری، ۱۳۹۸، ص. ۹۶). با این حال، برخلاف برخی تحلیل‌ها که مدعی است انگاره حجاب در این گفتمان حداکثری بوده، واقعیت جاری جامعه امکان طرح چنین انتظار و برنامه‌ای برای بازگشت به وضعیت پوشش در دهه شصت را نمی‌داد. در این وضعیت تشتت نظرات و دیدگاه‌ها در قوه اجرائیه کشور، باعث نوعی رهاسازی فضای فرهنگی و ادامه روند سابق در حوزه حجاب و پوشش شد (غلامی، ۱۳۹۳، ص. ۲۳). در این شرایط برخی نیروهای ارزشی و اصولگرا، از جمله رأس قوه اجرائیه، با تأکید بر فرهنگی بودن مسئله حجاب، معتقد بودند که مسئله با ابزار فرهنگی و نه انتظامی قابل حل است و فقط باید با بدحجابی‌های سازمان‌دهی شده برخورد کرد. این کشمکش‌ها حتی منجر به تذکر و طرح سؤال از رئیس‌جمهور در مجلس (۱۳۹۰/۱۲/۲۴) شد. در مقابل مخالفان، شناسایی و تفکیک و شناسایی افراد فاسد، معاند و سازمان‌دهی شده را غیر اجرایی و طرح فرهنگی بودن مسئله را برای جلوگیری از برخورد انتظامی با بدحجابی مطرح می‌کردند (محسنی ابوالخیری، ۱۳۸۹، ص. ۹۹). اهمیت مسئله حجاب در این دوره به اندازه‌ای بود که خود به یکی از عوامل شکاف بین نیروهای انقلابی و جریان اصولگرایی با دولت تبدیل شد.

در این بستر در مصوبه سوم شورای عالی انقلاب فرهنگی در دی‌ماه ۱۳۸۴، برای اولین بار به‌طور رسمی به روند فزاینده بدحجابی در کشور اذعان می‌شود. این مسئله خود زمینه بازگشت به سیاست‌های ادوار قبلی برای مدیریت مسئله حجاب و به صحنه آوردن بیشتر نهادهای انتظامی و قضایی را به همراه داشت و تعداد دستگاه‌های دخیل را از ۲۲ مورد به ۲۶ مورد افزایش داد و در کنار سیاست‌های سابق، سه اقدام ممیزی، تفکیک جنسیتی و گشت ارشاد نیز غلبه پیدا می‌کرد و به‌نوعی بعد از حدود ۱۵ سال، سیاست‌های دوره دوم در دهه شصت (با تفاوت‌های کمی و کیفی) احیا می‌گردید (صدر، ۱۳۸۹، ص. ۶۴)، البته با شرایط متفاوتی که اگرچه طرفداران الزام بیرونی حجاب همچنان در اکثریت هستند؛ اما برخلاف دوره دوم این اکثریت تضعیف شده و اقلیت نیرومندی در برابر آن قرار دارد (کلهر، ۱۳۹۶، صص. ۱۴۰-۱۲۰).

بی‌عملی اکثر نهادهای مسئول نسبت به وظایف محوله باعث شد که نهادی چون نیروی انتظامی که درواقع آخرین حلقه این مجموعه بود، به خاطر انجام وظایفش مورد فشار و

تخریب قرار گیرد. البته بخشی از این انتقادات به جا بوده چون علاوه بر برخی افراط‌ها، کار نابدلی‌ها و ارزیابی‌های سلیقه‌ای، اساساً اقدامات نیروی انتظامی در طرح افزایش امنیت اجتماعی زمانی مفید و معنادار خواهد بود که نهادهای دیگر به وظایف خود عمل کرده و نیروی انتظامی به عنوان آخرین جزء مکمل وارد صحنه شود (ذوالفقاری، ۱۳۸۵، صص ۷۳-۶۲). در این شرایط برخی از نهادها به جای حساب کشی از عملکرد خود مبادرت به حمله به نیروی انتظامی می‌کردند (غلامی، ۱۳۹۳، صص. ۲۷۲ - ۲۷۱)؛ با این حال، غفلت از آثار تخریبی و منفی بسیار شدید برخی اقدامات نیروی انتظامی در طولانی مدت عوارض جبران‌ناپذیری در پی داشت که نباید باعث شود تمام هجوم‌ها به سمت این نیرو سرازیر شود (زائری، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۷). با وجود احیای سیاست‌های کنترلی و نظارتی، به خصوص استفاده از گشت ارشاد در این دوره نه تنها بهبودی در وضعیت حجاب دیده نمی‌شود، بلکه اوضاع رو به وخامت بیشتر گذاشته بود (کلهر، ۱۳۹۶، صص. ۱۴۹ - ۱۴۸).

در این دوره با توجه به احساس ضرورت و وخامت اوضاع و البته فراهم بودن شرایط، برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها و پژوهش‌هایی با محوریت موضوع حجاب بیشتر مورد توجه برخی مجموعه‌های فرهنگی، آموزشی و اعتقادی قرار گرفت؛ اما در مقابل روند پرسرعت گسترش بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه بازتاب و آثار چندانی مشاهده نمی‌شود.

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و آشوب‌های پس از آنکه منجر به ایجاد نوعی دوقطبی سازی در فضای سیاسی و اجتماعی جامعه شد، بی‌تأثیر بر وضعیت پوشش در جامعه نبوده و می‌توان گفت تا حدی مسئله حجاب و به‌طور خاص پوشش چادر (البته بیشتر در شهرهای بزرگ) را تضعیف کرد (باقری، ۱۴۰۰، صص. ۱۲۵-۵). پژوهش‌هایی که در طول این دوره انجام شده، تعمیق شکاف و تفاوت در تلقی از حجاب عرفی و شرعی را نشان می‌دهد؛ اما نکته قابل توجه این نظرسنجی‌ها این بود که نشان می‌داد اکثریت جامعه همچنان به حجاب معتقد و به‌طور شرعی یا عرفی به آن پایبندند و درصد بسیار کمی از جامعه به مرز بی‌اعتقادی نسبت به اصل حجاب و عدم الزام آن رسیده‌اند؛ که این خود می‌توانست دلالت‌های آشکاری برای مدیریت حجاب و انتخاب روش‌های هوشمند برای برخورد با پدیده بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه باشد که متأسفانه مورد بی‌توجهی قرار گرفت (کلهر، ۱۳۹۶، صص. ۱۴۷-۱۴۲).

۶-۴. دوره امنیتی سازی مسئله حجاب در سایه مشکلات و غفلت داخلی (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

از سال ۱۳۹۲، با آغاز به کار دولتی که در ساحت نظر و عمل میراث‌دار دوره سازندگی و اصلاحات بود، سیاست‌گذاری‌ها و نگاه متفاوتی بر عرصه مدیریت فرهنگی کشور حاکم شد. علاوه بر این، اولویت سیاست بین‌الملل، برای حل مشکلات اقتصادی و امنیتی، به غفلت بیشتر نسبت منجر به مسئله حجاب شد. در کنار این تغافل با مدیریت کانون‌های خارجی و در بستر شبکه‌ها و تعاملات مجازی، نخستین پویش‌های سازمان‌دهی شده از سال ۱۳۹۳، تحت عنوان «آزادی‌های یواشکی» برای مقابله با حجاب اسلامی و قانونی که تعمداً «اجباری» خوانده می‌شد شکل گرفت. تداوم غفلت نسبت به این مسئله در عرصه مجازی طی سال‌های بعد به عرصه واقعی کشیده شد و در پویش چهارشنبه‌های سفید، به سر چوب کردن حجاب و آتش زدن آن و ارسال تصاویر برای شبکه‌ها و افراد معاند نظام انجامید. هرچند از سال‌های قبل و طی این دوره با توجه به تغییرات سبک زندگی در جامعه به‌ویژه در میان برخی اقشار، بدحجابی و بی‌حجابی با سرعت و در فرایندی عادی در حال گسترش بود؛ اما این پویش‌ها با مدیریت خارجی، تلاشی سازمان‌دهی شده برای امنیتی کردن مسئله حجاب برای جمهوری اسلامی و روشی برای مبارزه با آن تلقی گردید. به‌ویژه که برخورد قابل پیش‌بینی جمهوری اسلامی با کنشگران این پویش‌ها با عنوان اتهامی هنجارشکنی و تشویق به فساد و... و نه صرفاً عدم رعایت حجاب شرعی با واکنش برخی اشخاص حقوقی در آمریکا و اتحادیه اروپا و حمایت از این جریان‌ها همراه شد. در کنار این تلاش سازمان‌دهی شده، هم‌نوایی برخی از چهره‌های سیاسی، فرهنگی، با پویش «نه به حجاب اجباری» قابل تأمل و البته تأثیرگذار بود. تا آنجا که رهبر انقلاب، در سخنرانی‌ای، مسئله کشف حجاب اقلیتی محدود را با وجود برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌های فراوان دشمنان، کوچک! اما «طرح مسئله حجاب اجباری از دهان برخی خواص را» موضوعی حساس و مهم ارزیابی کردند و در فصل الخطابی اظهار داشتند: «نظام اسلامی با فردی که در خانه خود و در مقابل نامحرم حجاب ندارد، کاری ندارد؛ اما کاری که در ملاعام انجام می‌شود و درواقع کار و تعلیم عمومی است برای حکومتی که به نام اسلام بر سر کار آمده تکلیف ایجاد می‌کند» (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷).

به این ترتیب، طی این دوره مسئله حجاب علاوه بر ابعاد فرهنگی و دینی، ابعاد جدید جدی تری پیدا کرد که همان بعد امنیتی مسئله بود. ارائه تلقی های دگراندیشانه از حجاب اسلامی؛ که متأسفانه بیشتر از آنکه جنبه تخصصی و اجتهادی داشته باشند، انعکاس تبلیغاتی و عوامانه پیدا کردند نیز در این میان بی تأثیر نبود (مرندی، ۱۴۰۰، ص. ۶۷). هرچند بعید به نظر می رسد که فقدان آن ها نیز تأثیر محسوسی در روند رو به رشد تضعیف حجاب اسلامی می گذاشت. نحوه فعالیت گشت ارشاد و آثار تخریبی رسانه ای آن، هم زمان با انحصار شکنی از رسانه های رسمی با ظهور و گسترش فعالیت شبکه های اجتماعی زمینه را برای آشکار سازی گذار از پدیده بدحجابی به حجاب اختیاری و بی حجابی آشکار نمود (جاودانی مقدم، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۰).

علاوه بر موارد فوق، فشارهای اقتصادی و بحران های امنیتی که با تکیه بر شبکه های اجتماعی سازمان دهی می شد از عوامل غفلت نسبت به وضع وخیم حجاب در جامعه بود. باین حال کشف حجاب نیز به پای ثابت این نوع اغتشاشات تبدیل شد. تا آنجا که در یک محاسبه ی دقیق، با توجه به انعکاس وسیع و مغرضانه برخی اقدامات غیرقابل دفاع گشت ارشاد در شبکه های اجتماعی و ماهواره ای، مسئله حجاب زنان خود به کانونی برای اعتراض، اغتشاش و آشوب تبدیل شد. در این میان فوت مهسا امینی به عنوان اقلیتی قومی و مذهبی، در یکی از مراکز گشت ارشاد جرقه نهایی شعله ور شدن این کانون را زد. گسترده گی هنجارشکنی هایی که در طی این اعتراضات بروز کرد به همان روزها محدود نشد و مسئله حجاب در جمهوری اسلامی را دچار نوعی گذار تنش زا برای کشور کرد. آشوب های پاییز ۱۴۰۱، تمام تلاش های حاکمیت برای جلوگیری از امنیتی شدن مسئله حجاب را نقش بر آب کرد و جمهوری اسلامی در این مقطع به ناگزیر امنیتی و سیاسی شدن مسئله حجاب را پذیرفت.^۱ در این میان، مسئله ابلاغ قانون جدید حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب و برنامه های نیروهای انتظامی در این رابطه به حق حساسیت و مباحث زیادی را ایجاد کرده است. تحقق این قانون و مصوبات مشابه، مستلزم این است که در عین داشتن تناسب با

۱. درباره ی سیاسی و امنیتی شدن مسئله حجاب در جمهوری اسلامی (ر.ک. به: محبوبی منش، ۱۳۸۶، صص. ۹۲-۸۹؛ شاهرادی، ۱۳۹۶، صص. ۱۴۱-۱۴۶؛ پورسعید، ۱۳۹۸، صص ۲۱-۲۰).

واقعیت بیرونی، ضمانت و اراده اجرایی لازم را نیز به همراه داشته باشند. از طرف دیگر هر نوع تصمیم و اقدامی باید در حیطه قانون و با متانت و تدبیر صورت گیرد. استفاده از ظرفیت‌های نیروهای مردم نهاد با نظارت حکومتی و فراهم کردن بستر گفتگو در فضاهای آموزشی و رسانه‌ای نیز می‌تواند در روشن کردن ابعاد مسئله راهگشا باشد.

به‌هرحال، در وضعیتی که نظام و بخشی از متدینین الزام حجاب را به‌عنوان حکمی دینی غیرقابل چشم‌پوشی می‌دانند، مخالفان تلاش فراوانی دارند تا بی‌حجابی را از طریق استدلال‌های مدرن و حتی به‌ظاهر شرعی و با اقدامات سیاسی و اجتماعی، مسئله‌ای طبیعی و شخصی معرفی نمایند (زائری، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۵). اهمیت موضوع در این است که در این مقطع تقابل این دو جریان، نمونه‌ای از تقابل عام و اصلی‌تری، در مسئله نقش حاکمیتی و فلسفه وجودی نظام اسلامی است.

۵. تحلیل مسئله حجاب در جمهوری اسلامی بر اساس مدل سوات

در بخش دوم و با تکیه بر سیر تاریخی و تحولات سیاسی و اجتماعی و چشم‌انداز ایجاد شده درباره روند مدیریت و وضعیت حجاب در جمهوری اسلامی در بخش اول، به تجزیه و تحلیل مسئله حجاب با نگاهی به گذشته و حال بر اساس مدل سوات پرداخته و فهرستی از نقاط قوت، ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای مرتبط با این مسئله ارائه شده است. در این بین تحلیل‌های ارائه شده در مورد نقاط قوت و ضعف، ناظر بر پیشینه موضوع و نحوه مواجهه با مسئله حجاب در جمهوری اسلامی در ابعاد اجتماعی، سیاسی و مدیریتی است. درواقع اکثر این تحلیل‌ها، مبتنی بر نتیجه پژوهش و موضوعات مندرج در بخش اول بوده است.^۱ فرصت‌ها و تهدیدها نیز با نگاهی به شرایط فعلی و چشم‌اندازهای پیش روی اجتماعی و سیاسی کشور، به‌وسیله نویسندگان مقاله مورد استنباط قرار گرفته است.

۱. در رسیدن به این تحلیل‌ها از برخی آثار پژوهشی مربوط به این حوزه استفاده شده (ر.ک. به: هاشمی، ۱۳۸۷، ج ۳؛ بنیانیان، ۱۳۹۳؛ بنیانیان، ۱۳۸۷، ج ۳؛ زائری، ۱۳۹۸؛ حق‌شناس، ۱۳۸۷؛ عبدالرحمانی، ۱۳۹۹؛ هاشمی فشارکی، ۱۳۸۷؛ کلهر، ۱۳۹۶؛ بستان، ۱۳۹۷؛ قوی، ۱۳۹۹؛ آبیاری، ۱۳۹۹).

۵-۱. برتری‌ها (نقاط قوت)

- ورود حاکمیتی به مسئله حجاب در ماه‌های ابتدایی انقلاب، به‌ویژه با قاطعیت امام خمینی و مطالبه حداکثری، باوجود برخی تشکیک‌ها، نکته بسیار مهمی در مدیریت مسئله حجاب در ایران پس از انقلاب بود. یقیناً در صورت رهاسازی مسئله به‌ویژه با توجه به نفوذ و فعالیت جریان‌های فکری و سیاسی معارض و پس از آن تهاجم فرهنگی سنگین غرب، خیلی پیش‌تر از این مسئله حجاب و پوشش در جامعه ایران به شرایط بحرانی می‌رسید. البته در آن صورت وضعیت متصور، نقطه‌جوش و شرایط بحرانی تلقی نشده، بلکه به‌نوعی تداوم روند رو به رشد رفع حجاب در دوره سابق و نتیجه بی‌عملی دولت انقلابی محسوب می‌شد.

- رویکرد اقناعی و مباحثه‌گونه در اوایل انقلاب در مورد مسئله حجاب، به‌ویژه به‌وسیله شخصیت‌های مقبولی همچون طالقانی و صاحب‌نظرانی مثل مطهری و بهشتی، از مسائل مهم در فرایند حل مسئله حجاب بود که در صورت تداوم می‌توانست از بروز بسیاری از مشکلات پیشگیری کند.

- وضع قوانین و مصوبات و دستورالعمل‌های مربوط به حجاب باوجود ابهامات و انتقادات وارد بر آن‌ها در کل به تثبیت نسبی وضعیت حجاب و تعیین حدود قانونی آن کمک کرد.

- تکیه بر روحیه انقلابی و فرهنگ اسلامی در ترویج مقوله حجاب به‌ویژه در ماه‌های اول انقلاب و تعمیق آن در سایه فرهنگ دفاع مقدس در دهه اول انقلاب.

- برقراری پیوند و تأکید بر ارتباط فرهنگ حجاب با اصل عفاف با تکیه بر روحیات و فرهنگ ایرانی و با توجه به ماهیت بی‌حجابی در دوره مدرن که اصل تبرج جنسی را به‌صورت آشکار و پنهان در درون خود دارد.

- استفاده هرچند ناقص و معیوب از ظرفیت‌های نظام آموزشی و رسانه‌ای رسمی و حکومتی

- الگوسازی بر اساس شخصیت‌های مذهبی، تاریخی و انقلابی معتقد و پایبند به حجاب اسلامی.

- استناد به فرهنگ بومی، ملی و تاریخی اقوام و مذاهب مختلف در مسئله پوشش و ارائه الگوهای مد و لباس پوشیده، راحت و به‌روز که البته بدون خلاقیت و حمایت مالی و معنوی حکومت آثار محسوسی نداشته است.

- تألیف آثار، انجام پژوهش‌ها، نشست‌ها با موضوع پوشش و حجاب همراه با ارائه ادله فقهی، شرعی، روان‌شناختی و اجتماعی در راستای تبیین مسئله برای خواص و اقناع عمومی که متأسفانه دچار ضعف کمی، کیفی و رسانه‌ای فراوان بوده‌اند.

۲-۵. کاستی‌ها (نقاط ضعف)

- ضعف در تعمیق اعتقادات و توسعه فرهنگ اسلامی، ملی و انقلابی، به‌ویژه در دو عرصه آموزش و پرورش و صداوسیما، ناظر بر ابعاد سیاست‌گذاری‌ها، فعالان، محتوا و اقدامات که منجر به عدم درونی‌سازی و هنجارسازی مسئله در فرایند آموزش و تربیت شده است؛ - ایجاد تضادهای ارزشی در جامعه به دنبال توسعه اقتصادی نامتوازن و توسعه سیاسی الگوبرداری شده از فرهنگ غربی، بدون توجه به ارزش‌های فرهنگ خودی، در عرصه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی؛

- تضاد در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کلان فرهنگی از یک‌سو و دامن زدن به مقوله بدحجابی در عرصه فرهنگ، تبلیغات و رسانه از سوی دیگر، با تغافل و حتی حمایت بسیاری از متصدیان امور در سطوح میانی. این مسئله ناشی از ضعف انگیزه و بی‌اعتقادی در بخشی از بدنه اجرایی و مدیریتی کشور نیز بوده است؛

- روش‌های غلط در دفاع و ترویج حجاب؛ مثل روش‌های خشن و غیرقانونی به‌ویژه در دهه شصت و هفتاد یا عدم توانمندی فرهنگی و روان‌شناختی مورد نیاز در ضابطین انتظامی و سوءاستفاده رسانه‌ای گسترده از مصادیق آن در شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی؛

- ضعف در وضع قوانین و ضوابط مربوط به حجاب با قابلیت تفاسیر مختلف، عدم شفافیت، افراط و تفریط‌ها و خردنگری یا کلان‌نگری‌های بیش‌ازحد؛

- شکاف حاکمیتی در مدیریت مسئله حجاب در جامعه در ادوار و سطوح مختلف؛

- سیاسی کردن مسئله حجاب و بهره‌برداری سیاسی از آن به‌وسیله برخی جریان‌های سیاسی ولو به قیمت ایجاد شبهه شخصی بودن مسئله پوشش و نفی حق مداخله حکومت؛

- ضعف در فهم ابعاد گسترده تهاجم فرهنگی و مقابله و چاره‌جویی برای آنکه حجاب و پوشش نیز یکی از قطعات مهم این پازل را تشکیل داده؛

- حاکمیت فضای اقتصاد زده و سیاست زده بر فضای فرهنگی کشور و البته تأثیرات

جنگ تحمیلی، بحران‌های اقتصادی، مشکلات اشتغال، بالا رفتن سن ازدواج و... بر مسئله حجاب؛

- غفلت از مسئله اقتصاد حجاب؛ شامل تأمین و تولید به‌صرفه کالاهای مناسب و مرتبط با حجاب اسلامی و در مقابل رهاسازی بازار برای واردکنندگان و تولیدکنندگان و فروشندگان پوشاک مروج بدحجابی و بی‌حجابی؛

- رهاسازی عرصه فرهنگ و هنر، به‌ویژه در حیطه مطبوعات، تئاتر، سینما و حتی تلویزیون و رسانه‌های ارتباطی نوین و شبکه‌های اجتماعی؛

- دولتی و حکومتی شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر، به‌طور خاص در مورد مسئله حجاب و پوشش، در سال‌های پس از انقلاب؛

- ایجاد تشکیک نظری، فقهی و تاریخی در وجوب و حدود حکم حجاب در اسلام و انعکاس رسانه‌ای و ژورنالیستی این مباحث و محدود بودن گفتگو و بحث تخصصی، در این زمینه کنار ضعف در تبیین و تحقق حقوق زنان در جامعه که باعث توسعه گرایش‌های فمینیستی و ضد اسلامی شده است.

۳-۵. فرصت‌ها

- تأکید بر اهمیت و ارزش رعایت حجاب بر اساس اصول اعتقادی، تاریخی، اخلاقی و قانونی که این آخری می‌بایست مورد عنایت همگانی قرار گیرد؛

- ورود اکثریت بدحجاب جامعه به مجموعه شهروندان قانونمندی که همچنان به قوانین حجاب شرعی و عرفی کشور احترام می‌گذارند؛

- استفاده از ظرفیت‌های گروه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای کنترل مسئله در قالب امر به معروف و نهی از منکر احسن با نظارت حکومتی؛

- کنترل و مدیریت مسئله با تکیه بر خواست و حقوق فرهنگی، دینی و ملی یک کشور که در آن بی‌حجابی نوعی تجاوز به حقوق فرهنگی تلقی و باعث جریحه‌دار شدن احساسات عمومی و مذهبی مردم می‌شود، با استناد به پوشش‌ها و گزارش‌های مردمی؛

- توجه به ظرفیت‌های فرهنگ بومی برخی مناطق برای کنترل و مدیریت مسئله حجاب؛

- ارائه الگوهای مذهبی، تاریخی و علمی موفق پایبند به حجاب اسلامی به جامعه

به‌خصوص جوانان و نوجوانان و توجه به آسیب‌های ترویج بی‌حجابی با توجه به تجربیات بشری در قالب سخنرانی، گفتگو و ابزارهای هنری؛

- روشن شدن گستردگی ابعاد بحران هویتی و آسیب‌های فرهنگی در جامعه و چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی سیاست‌گذاران و اندیشمندان در این مورد؛
- کنترل اماکن، دستگاه‌ها و بخش‌های تحت نظارت مستقیم دولت و حاکمیت در ارتباط با پوشش کارکنان و مراجعین؛

- اصلاح نظام آموزشی و تربیتی، با تکیه بر هویت جنسی، دینی و ملی و توجه تخصصی به امور پرورشی؛ در نوع آموزش‌ها، اشکال آن‌ها و انتخاب مربیان. بازنگری جدی در نظام تربیت مربی و جذب آن‌ها به‌عنوان قشری بسیار تأثیرگذار بر کودکان و نوجوانان در کنار خانواده و دوستان.

۴-۵. تهدیدها

- پذیرش و رسمیت‌نسی پدیدهٔ بدحجابی در مقابل بی‌حجابی؛
- تفکیک مقوله حجاب از عفاف بدون توجه بر ابعاد فرهنگی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مسئله؛

- بالا بودن هزینه‌های باحجاب بودن (در عرصهٔ اجتماعی و اقتصادی) در مقابل هزینه‌های بدحجابی و بی‌حجابی؛

- گسترش ابعاد بی‌حجابی از برداشتن روسری به ابعاد بسیار ناهنجار فرهنگی؛
- ایجاد واکنش شدید در بخش‌هایی از مذهب‌یون (مذهبی نمایان)، با درگیری‌ها و تلفات احتمالی که یقیناً مورد سوءاستفاده تبلیغاتی، امنیتی و سیاسی دشمنان قرار خواهد گرفت؛
- ایجاد شکاف و تنش عمیق اجتماعی به‌ویژه در صورت بی‌عملی و مماشات بیش از حد متولیان امور در کنار تبلیغات و مانور رسانه‌ای برای تشدید بحران؛

- گذار از وضعیت بدحجابی به بی‌حجابی و تبدیل‌شدن مسئلهٔ بی‌حجابی به فرهنگ عمومی به‌ویژه در میان نوجوانان، جوانان؛

- عدم توجه به تفاوت‌های فرهنگی و بومی مناطق مختلف کشور در مدیریت بحران حجاب؛

- سیاسی و جناحی کردن مقوله حجاب در اشکال مختلف سلبی و ایجابی و تأثیرات آن بر افکار و انتظارات عمومی و دستمایه رقابت‌های سیاسی قرار گرفتن حجاب که باعث دوقطبی سازی بیش‌ازپیش مسئله می‌شود؛
- شکل‌گیری و تعمیق نوعی از عرف‌گرایی و سکولاریسم در ساختار حکومت در صورت بی‌تفاوتی و مماشات اصولی با پدیده بی‌حجابی؛
- تحمیل کل مسئولیت مدیریت و مقابله با پدیده بی‌حجابی به نهادها و دستگاه‌های انتظامی و امنیتی؛
- خطر ایجاد نارضایتی شدید و عمومی در صورت برخوردهای خشن و خارج از قاعده حکومت با پدیده بی‌حجابی و آثار سیاسی و امنیتی مسئله به‌ویژه با مدیریت و جهت‌دهی خارجی؛
- پایین بودن هزینه تقابل با اصل حجاب و ترویج بی‌حجابی به‌ویژه در میان چهره‌های شناخته‌شده؛
- توسعه و تعمیم مصادیق عدم الزام و نفی حق دخالت حکومت به سایر سطوح و موارد شرعی و اخلاقی و ایجاد هرج و مرج اجتماعی و به تبع آن امنیتی و سیاسی.

نتیجه‌گیری

پس از مرحله گذار اولیه و رفع شکاف حاکمیتی و با غلبه فرهنگ دفاع مقدس، شاهد هماهنگی عمومی در عرصه حجاب بودیم؛ اما با پایان جنگ و تغییر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و تغییرات ارزشی در جامعه، تغییراتی در عرصه فرهنگ پوشش و حجاب نیز شکل گرفت که طی دوره بعد با مشی سیاسی و فرهنگی دولت اصلاحات به شکل محسوس و گسترده‌تری در جامعه بروز کرد. مظاهر گسترده بدحجابی که در سال‌های بعد به‌نوعی به بازگشت منجر به سیاست‌گذاری‌های انتظامی دهه شصت شد.

در یک دهه اخیر با توجه به عمق مشکلات اقتصادی و سیاسی، مسئله حجاب به بستری برای بخشی از کنشگران برای مبارزه با جمهوری اسلامی تبدیل و به‌ویژه با ماهیت اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ ابعاد امنیتی و سیاسی آشکارتری پیدا کرد. با بررسی نقاط قوت، ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای مربوط به مسئله حجاب در طی

این سالیان، بر اساس مدل تحلیلی سوات، سنگینی بار ضعف‌ها و تهدیدها روشن می‌شود؛ باین‌حال، هرگونه اقدام و سیاست‌گذاری باید با در نظر گرفتن تمام عوامل چهارگانه فوق انجام شود تا از ایجاد ناامیدی و وادادگی بیش از حد در جامعه که خود آسیب‌های شدیدتر و دامنه‌دارتری می‌تواند در پی داشته باشد اجتناب کرد.

بی‌شک سه سطح ۱. اعتقادی و دینی، ۲. اجتماعی و فرهنگی، ۳. حقوقی و سیاسی در فهم و حل مسائل مربوط به حجاب در جامعه ایرانی باید مورد توجه قرار گیرد. با عنایت به این سطوح مختلف می‌توان علل شکل‌گیری، بسترهای اندیشه و گفتگو درباره آثار حجاب و بی‌حجابی و راه‌های مقابله با تنش و بحران در مورد مسئله حجاب را مورد بررسی و چاره‌اندیشی قرار داد و به‌نوعی باب مباحثه با مخاطبان از طیف‌های مختلف اعتقادی، اجتماعی و سیاسی را گشود. از طرف دیگر، با توجه به ابعاد اعتقادی (شرعی)، فرهنگی (ملی)، حقوقی و سیاسی مسئله حجاب، صاحب‌نظران و متفکران دلسوز، در شرایط و ساختار فعلی در کنار نقد عملکرد و برنامه‌ها و ارائه فهم و راهکارهای مناسب به حاکمیت، بهتر است تلاشی نیز در اقتناع فرهنگی، منطقی و سیاسی خرده‌فرهنگ‌های هنجارگریزی که حاضر به پذیرش حداقل بایسته‌های فرهنگ گفتمانی غالب نیستند نمایند. در مقابل، تجویز نسخه فرهنگ لیبرال دموکراسی غربی مبنی بر به رسمیت شناختن مطالبات خرده‌فرهنگ‌های متکثر جامعه (هرچند خود عملاً به آن پایبند نیستند) در حقیقت چاه ویلی می‌نماید که مشخص نیست انتهای آن به کجا خواهد انجامید. حتی اگر این مسیر، جریان طبیعی و سرنوشت پیش روی جامعه ایرانی باشد، ایجاد تسریع و کمک به آن معقول نمی‌نماید. در کل بخشی از علل غلبه نقاط ضعف بر قوت‌ها و تهدیدات بر فرصت‌ها در تاریخ چهل و چند ساله جمهوری اسلامی در این زمینه و سایر موارد مشابه، نتیجه برنامه‌های متناقض فرهنگی و سیاسی در سایه تجویزهای خطرناک بیگانه از فرهنگ خودی بوده است.

منابع

- آبیاری، زهرا، کرمی‌پور، الله‌کرم و شریفی، سعید (۱۳۹۹). چالش‌های نظری حجاب در ایران پس‌انقلاب؛ تحلیلی بر رویکردهای موجود از حجاب و عفاف. *اسلام و علوم اجتماعی*، ۱۲ (۲۳)، ۲۳۸-۲۱۷. https://soci.rihu.ac.ir/article_1667.html
- آزاد ارمکی، تقی، شریفی، محمدحسین و ایثاری، مریم (۱۳۹۱). تبارشناسی پوشش زنان در ایران دهه‌های ۷۰ و ۸۰. *مطالعات سبک زندگی*، (۲)، ۹-۶۷. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1086220>
- آقا بیگی کلاکی، محمد (۱۳۹۱). حجاب توسعه و توسعه بدحجابی؛ تحلیلی پدیده بدحجابی در ارتباط با سیاست‌ها و ساختارهای کلان جامعه. *سوره اندیشه*، (۵۸ و ۵۹)، ۹۲-۱۰۴. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1089528>
- ابتکار، معصومه (۱۳۸۷). دولت اصلاحات و مسئله حجاب. *مجموعه مقالات همایش مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی*، به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشکده فقه و حقوق، ۹۱-۱۱۶.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷). نگرش جامعه‌شناختی به پدیده حجاب. *مجموعه مقالات همایش مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی*، به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشکده فقه و حقوق، ۱۱۷-۱۴۷.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۶). *رساله توضیح المسائل*. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
- امامی، سید مجید (۱۳۹۲). چهارچوبی انتقادی برای سیاست پژوهی مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران منطبق بر نظریه الگوی عرفی شدن جامعه ایران. *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۱ (۱)، ۱۱۴-۱۳۴. https://jiss.isca.ac.ir/article_35.html
- یاززی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶). بررسی الزام حجاب در حکومت دینی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۹ (۳۶)، ۱۶۱-۱۸۸. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1067509>
- باقری، فاطمه، عدالت، هادی و معصومی، کوروش (۱۴۰۰). تبیین مسئله حجاب در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی با کمک مدل پیر بوردیو. *پژوهشنامه تاریخ*،

- سیاست و رسانه، ۴(۱۶)، ۱۰۵-۱۲۸. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1846575>
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۷). بازخوانی مبانی فلسفی سیاست پردازی با تأکید بر مسئله عفاف و حجاب. *مطالعات جنسیت و خانواده*، (۱۱)، ۳۵-۱۱. https://www.jgfs.ir/article-cle_94115.html
- بنیانیان، حسن (۱۳۹۳). پوشش اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها با رویکرد مهندسی فرهنگی، تهران: سوره مهر.
- بنیانیان، حسن (۱۳۸۷). سیاست‌های کلان فرهنگی و مسئله حجاب. *مجموعه مقالات همایش مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی*، به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشکده فقه و حقوق، ۱۷۷-۱۵۰.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (دیده شده در تاریخ ۲۵/۱۲/۱۴۰۳) احکام حجاب و عفاف. <https://www.leader.ir/fa/book/138>
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۸). تحلیل سیاست حجاب در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران. *دیده‌بان امنیت ملی*، (۸۸)، ۱۷-۲۴. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1544769>
- جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۸). بررسی سیر تطور گفتمان حجاب در سپهر سیاست و فرهنگ ایران. *سیاست پژوهی ایران*، ۶(۲۰)، ۱۰۱-۱۳۳. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1505081>
- جوادی یگانه، محمدرضا و هاتفی، حمید (۱۳۸۷). پوشش زنان در سینمای پس از انقلاب. *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، (۱۱)، ۶۱-۷۴. https://www.jcsc.ir/article_44311.html
- حسینی، زکیه بیگم و وحدانی‌فر، هادی (۱۴۰۰). تحلیلی بر فرهنگ حجاب در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. *مطالعات اندیشه معاصر مسلمین*، (۱۳)، ۳۹-۱۱. https://mam.journals.miu.ac.ir/article_5506.html
- حق‌شناس، سید جعفر (۱۳۸۷). *نظام اسلامی و مسئله حجاب*. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۶/۱۲/۱۷). دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام با رهبر انقلاب. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=39132>
- ذوالفقاری، حسین (۱۳۸۵). موانع و مشکلات ناجا در کنترل بدحجابی. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۱۱(۱)، ۵۷-۷۵. نسخه چاپی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶). توسعه و تضاد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۷). بررسی وضعیت حجاب در ایران از سال‌های آخر حکومت پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی. مجموعه مقالات همایش مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، (جلد سوم) به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشکده فقه و حقوق.
- زائری، محمدرضا (۱۳۹۸). حجاب بی‌حجاب؛ آسیب‌شناسی بی‌پرده سیاست‌گذاری حجاب در ایران. اصفهان: نشر آرما.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا و سبحانی، محمدتقی (۱۳۷۹). درآمدی بر نظام شخصیتی زن در اسلام. قم: دارالثقلین.
- شادلو، عباس (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم. تهران: نشر وزراء.
- شاهمرادی، عصمت و جاوید، محمدجواد (۱۳۹۶). جمهوری اسلامی ایران و مسئله بدحجاب. زن در فرهنگ و هنر، ۹(۱)، ۱۳۹-۱۶۴. https://jwica.ut.ac.ir/article_62769.html
- صدر، شادی (۱۳۸۹). مجموعه قوانین و مقررات پوشش در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر ورجاوند.
- ضیغمیان، فاطمه‌السادات (۱۳۸۹). مسئله حجاب در اندیشه آیت الله طالقانی. فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ۱۴(۵۵)، ۱۶۵-۱۸۰.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1064350>
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مکتبه المرتضویه.
- عباس، دلال (۱۳۸۴). زن در جامعه معاصر ایران. ترجمه حمیدرضا شریعتمداری، ماهنامه پیام زن، ۱۴(۱)، ۱۳۴-۱۶۳. https://journals.dte.ir/article_52626.html
- عبدالرحمانی، رضا و سهرابی، حسین علی (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی ارتباطات بین سازمانی متولیان حجاب و عفاف. مطالعات راهبردی زنان، ۹۰(۵۷)، ۸۲.
- https://www.jwss.ir/article_133710.html

- غروی نائینی، نهله و عامری، وحیده (۱۳۸۶). پوششی در معنا و مفهوم حجاب. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۹ (۳۶)، ۱۱۳-۱۳۷. <https://www.magiran.com/p448587>
- غلامی، علی (۱۳۹۲). مبانی نظری مداخله دولت در مسئله حجاب، دانش حقوق عمومی، ۲ (۶)، ۴۷-۶۸. https://mag.shora-rc.ir/article_38.html
- غلامی، علی (۱۳۹۳). مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران؛ بررسی حقوق و جامعه‌شناختی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- فاضل لنکرانی، محمد جواد (۱۳۹۲). حجاب و نظام اسلامی. به اهتمام محمد حسن دانش، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۵ ق). کتاب العین. قم: دارالهجرة.
- قاسمی، هاجر السادات (۱۳۸۳). حلقه‌های مفقوده حجاب. ماهنامه حوراء، ۱ (۹)، ۲۸-۲۴. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/6432/6464/73769>
- قوی، نیره و امیرلو، معصومه (۱۳۹۹). وضعیت شناسی عفاف و حجاب در جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹ (۳۲)، ۸-۳۶. https://www.roir.ir/article_120423.html
- کلهر، سینا (۱۳۹۶). مدیریت حجاب در جمهوری اسلامی. اصفهان: نشر آرما.
- محبوبی‌منش، حسین (۱۳۸۶). تحلیل اجتماعی مسئله حجاب، مطالعات راهبردی زنان، ۱۰ (۳۸)، ۸۸-۱۳۴. <https://ensani.ir/fa/article/2014>
- محسنی ابوالخیری، علیرضا و حاضری، علی محمد (۱۳۹۸). تحلیلی بر منازعات گفتگمانی حجاب در جمهوری اسلامی (۱۳۶۰-۱۳۹۰). اندیشه سیاسی در اسلام، ۱۹ (۱)، ۸۳-۱۰۴. https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir/article_102762.html
- مرادخانی، همایون (۱۳۹۰). حکومت‌گری و بازسازی فرهنگی جامعه: شرایط امکان پیدایش سوژه پوشش پس از انقلاب اسلامی. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- مرندی، سید علی (۱۴۰۰). تحلیل بایسته‌های سیاست‌گذاری در باب حجاب در جمهوری اسلامی ایران. دیده بان امنیت ملی، ۱۱۶ (۱)، ۶۷-۷۶. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1846450>
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). مسئله حجاب. تهران: انتشارات صدرا.

- نمازی‌فر، حسین و سعادت، صالح (۱۳۸۹). بررسی فقهی و حقوقی حجاب شرعی با رویکردی بر آرای امام خمینی. پژوهشنامه متین، (۴۹)، ۱۰۱-۱۲۶.

dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24236462.1389.12.49.5.8

- نوبخت، منیره (۱۳۸۷). حجاب و مصوبه‌های اجرا نشده. مجموعه مقالات همایش مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشکده فقه و حقوق، ۳۱۷-۳۰۳.

- هاشمی، سید حسین (۱۳۸۷). نقد سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در برخورد با بدحجابی. مجموعه مقالات همایش مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشکده فقه و حقوق.

- هاشمی فشارکی، سید احمد (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی بدحجابی در ایران: نظام اسلامی و مسئله حجاب. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی